

## زمینه‌ها و عوامل حاکمیت قانون بر توسعه فرهنگی و هنری معاصر ایران

### چکیده

حاکمیت قانون، یکی از مفاهیم و اصطلاحات پیچیده‌ای است که در دهه‌های اخیر از دغدغه‌های اصلی کشورهای در حال توسعه، است. عرصه‌های فرهنگی و هنری نیز مانند سایر ابعاد نظام اجتماعی در جوامع مختلف نقش مهمی در تحقق رشد و توسعه فراگیر دارند. جامعه ایران نیز در دوره معاصر و از دوره حکومت پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۲۰ش)، به صورت جدی خود را در معرض توسعه قرار داد و این وضعیت بعد از تثبیت انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ش)، نیز دنبال گردید. این پژوهش با هدف بررسی جایگاه حاکمیت قانون بر توسعه فرهنگی و هنری معاصر ایران است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که کشورها در اعمال حاکمیت قانون برای تحقق توسعه فراگیر همواره از یک رویه یکسان استفاده نکردند بلکه براساس اوضاع و احوال متفاوت رویه‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. در جامعه ایران در دوره معاصر، عواملی چون اهمیت یافتن توسعه همه جانبه در جامعه، مقابله با گوناگونی فرهنگی به علت رشد روزافزون ارتباطات در نظام جهانی، نقش حاکمیت قانون در برقراری نظم در فضای فرهنگی و هنری و مسئله حمایت از ارزش‌های اسلامی و ایدئولوژیک اسلامی، ضرورت ایجاد نهادهای قانونی و تدوین قوانین مصوب در عرصه فرهنگ و هنر را آشکار ساخت لذا حاکمان و سیاستمداران، اقدامات لازم را برای حاکمیت قانون بر توسعه فرهنگی انجام دادند.

### اهداف پژوهش

۱. واکاوی زمینه‌ها و علل حاکمیت قانون بر توسعه فرهنگی و هنری ایران در دوره معاصر.

۲. بررسی ارتباط توسعه فرهنگی با ایدئولوژی حاکم بر جامعه ایران در دوره معاصر.

### سؤالات پژوهش

۱. در جامعه ایران در دوره معاصر کدام عوامل و زمینه‌ها منجر به حاکمیت قانون بر توسعه فرهنگی شده است؟

۲. آیا ایدئولوژی‌های حاکم بر یک جامعه نقشی در برنامه‌های توسعه فرهنگی دارد؟

**واژگان کلیدی:** حاکمیت قانون، توسعه فرهنگی و هنری، ایران، دوره معاصر، ارزش‌های اسلامی.

## مقدمه

فراگرد توسعه و حاکمیت قانون دو مسئله وابسته به یکدیگر هستند. بررسی‌ها نشانی می‌دهد در حاکمیت قانون همگان در برابر قوانین با هم مساوی هستند. حاکمیت قانون برای آرامش جوامع داخلی و بین‌المللی و به منظور تعیین مرز و حدود و تکالیف و جلوگیری از تعدی و تجاوز، لازم و ضروری است. از این اصل به مفهوم برابری و مساوات در برابر قانون تعبیر شده و گاهی هم از آن به حکومت قانون در مقایسه با حکومت‌های دیکتاتوری مطلقه و پادشاهی استفاده شده است. بنابراین این اصل در دوره معاصر، تبدیل به یکی از مهمترین دغدغه‌های جوامع توسعه‌نیافته گردید. در جامعه ایران نیز، توسعه از مباحث و اهداف کلیدی است. فراگرد توسعه، جنبه‌های مختلف نظام اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان عرصه فرهنگی یکی از ابعاد حیاتی جوامع بشری در طول تاریخ بوده است. فرهنگ و هنر در هر جامعه انعکاسی از ارزش‌ها و باورهای موجود در هر جامعه است و حفظ آن در انتقال این انگاره‌ها نقشی بسزا دارد. با این تفاسیر جامعه ایران در دوره معاصر به دلیل گسترده بودن دایره ارتباطی جوامع با مسئله توسعه فرهنگی و اقتضائات آن مواجه گردید. جامعه ایران در قرن اخیر، انقلاب بزرگ اسلامی را تجربه کرد و به موازات این تحول، ایدئولوژی و فرهنگی اسلامی از جایگاه استراتژیکی برخوردار گردید. مسئله‌ای که اینجا مطرح می‌گردد این است که با توجه درهم آمیختگی فرایند توسعه و اهمیت حاکمیت قانون و مسئله گوناگونی فرهنگی ناشی از جهانی شدن، جامعه ایران چه رویکردی را در توسعه فرهنگی در پیش گرفت؟

پیرامون مسئله زمینه‌ها و عوامل حاکمیت قانون بر توسعه فرهنگی و هنری در ایران دوره معاصر تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر درنیامده است اما پیرامون مسئله سیاست‌گذاری فرهنگی و حاکمیت قانون آثاری به صورت پراکنده به رشته تحریر درآمده است. مقاله‌ای با عنوان: «بحثی در سیاست‌گذاری فرهنگی» در فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به رشته تحریر درآمده است. نویسندگان این پژوهش معتقد است در عرصه سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران علاوه بر دارا بودن نگرش و سیاست در این عرصه، خود را مسئول حفظ و اشاعه فرهنگی خاص قلمداد می‌کنند (وحید، ۱۳۸۵: ۳۰۶-۲۸۷). این گفتار حاکی از حاکمیت قانون بر چگونگی توسعه فرهنگی در ایران در دوره معاصر است، با این حال این پژوهش ورودی به بررسی زمینه‌های بنیادین حاکمیت قانون بر توسعه در ایران نداشته است.

مقاله‌ای دیگر با عنوان: «فقدان حاکمیت قانون» به قلم عباس عبدی در نشریه انجمن جامعه‌شناسی به رشته تحریر در آمده است. نویسندگان معتقد است وجود حاکمیت قانون باعث ایجاد نظم اجتماعی است و سپس در ادامه به بررسی معضلات فقدان قانون در جامعه پرداخته است (عبدی، ۱۳۷۶: ۱۵۹-۱۵۱). نویسندگان در این اثر به فراخور موضوع پژوهش خود منحصراً به بحث حاکمیت قانون پرداخته است و در این اثر اشاره‌ای به بحث فرهنگ و ارتباط آن با حاکمیت قانون نشده است. پژوهش حاضر بر آن است تا با واکاوی و مطالعه شرایط داخلی و بین‌المللی در دوره معاصر، به چرایی

حاکمیت قانون بر توسعه فرهنگی در جامعه ایران در دوره معاصر بپردازد. روش این پژوهش توصیفی و تحلیلی با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای است.

### نتیجه گیری

امروزه بیشترین توجه حقوقدانان و دیگر اندیشمندان در زمینه‌های سیاست و اقتصاد، معطوف به حاکمیت قانون شده است. حاکمیت قانون نظریه‌ای نسبی بوده و مبتلا به تمامی جوامع می‌باشد. قوت و ضعف اجرای حاکمیت قانون با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از عوامل است که دست به دست یکدیگر می‌دهند تا اجرای قانون را قوت بخشند یا آن را با ضعف مواجه سازند. بنابراین اختلال در هر یک از این عوامل، حاکمیت قانون را با بی‌نظمی مواجه می‌سازند. حاکمیت قانون بر مبنای ارزش‌ها، هنجارها و اصول مساوات و عدم تبعیض، مشارکت و همراهی، قدرت‌دهی و آزادی بیان، شفافیت، اعتماد، کاهش فساد از طریق شفافیت، شراکت و اتحاد قرار دارد که همه برای دستیابی به توسعه فراگیر ضروری هستند. یکی از عرصه‌های مهمی که بحث حاکمیت قانون بر آن مطرح می‌شود، عرصه فرهنگ و هنر است. در دوره معاصر بحث فرهنگ و هنر در سیر تکاملی خود در جوامع مختلف گاه‌ها هم همراه با تحول بوده است و هم خود منشأ حرکت و تحول بود. این قدرت سبب شده تا این حوزه به عنوان یکی از مهمترین کانون‌های تأثیرگذار در زایش و ثبات ارزش‌های جوامع مد نظر حاکمان و افراد جامعه باشد. فرهنگ و هنر در جامعه‌ی ایران نیز از دیرباز و از دوره باستان نمود روشنی از ارزش‌های ملی و مذهبی بوده است. جایی که تکرار بی‌شمار مضامین ملی و مذهبی در آثار فرهنگی و هنری چون شعر و معماری، نقاشی و غیره نمود آشکاری داشته است. جدایی‌ناپذیری هنر و جامعه سبب گردید تا دوره معاصر و مقارن با رشد همه جانبه توسعه در ابعاد مختلف اجتماعی، حوزه فرهنگ و هنر نیز از این تغییر دور نماند. این مسئله سبب گردید تا صاحبان قدرت در راستای حمایت از بنیان‌های فلسف و ایدئولوژیکی مورد نظر خود به عرصه فرهنگ و هنر از جهت توجه جدی داشته باشد. فرهنگ و هنر از یک سو انعکاس داشته‌های تمدنی و از سوی دیگر اهرمی برای بزرگداشت ارزش‌های حاکم بر جامعه است لذا این مسئله تبدیل به یکی از زمینه‌های اعمال حاکمیت قانون بر عرصه فرهنگ و هنر در جامعه ایران گردید. زمینه و عامل دیگری که این قانون‌گرایی را ضروری می‌ساخت بایسته‌ها و ملزومات توسعه فرهنگی بود؛ نیاز به حمایت مالی و سازمانی از این حوزه‌ها بحث حاکمیت قانون را جدی‌تر ساخت. قرار گرفتن در مسیر ادغام در نظام جهانی و آشکار شدن نمادهای فرهنگی و هنری و رواج بنیان‌های فلسفی و فکری جدید با مسئله گوناگونی فرهنگی و مقتضیات آن همراه گردید و همین مسئله در رواج بحث قانون‌گرایی نقش جدی داشت. دوره معاصر برای جامعه ایران به عنوان یک بستر زمانی آستن مجموعه‌ای از عوامل سیاسی و ایدئولوژیکی و فرهنگی ساخت که انعکاس این مسئله را در حضور نظارت قانونی بر این عرصه‌ها می‌توان مشاهده کرد. با این که فرهنگ و هنر در جامعه‌ای چون ایران نماینده ارزش‌ها و باورهای افراد جامعه بوده است. به نظر می‌رسد تقارن ایجاد

نظام سیاسی - مذهبی با تحولات گسترده جهانی در دوره معاصر تا حدی این رویکرد کنترل گر را بر عرصه فرهنگ و هنر توجیه می کند.

## منابع

- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۷۹)، تشکیلات دادگاههای اداری در فرانسه، حقوق اداری تطبیقی، جزوه درسی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
- امیرارجمند، سعید (۱۳۸۲)، قانون اساسی، گروه نویسندگان، انقلاب مشروطیت، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر. پاکباز، رویین (۱۳۷۸)، "هنرمعاصر ایران، فصلنامه طاووس، شماره ۱، صص ۸-۱.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۵۵)، "درباره توسعه فرهنگی"، فرهنگ و زندگی، شماره ۲۴، صص ۴-۱۷.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۳)، مبانی حاکمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: مرکز تحقیقات علمی.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۸) "گوناگونی فرهنگی و ضرورت پاسداری از آن" فصلنامه مطالعات هنر و ارتباطات، شماره ۲۰، صص ۱۹۱-۱۶۹
- سیموندز، نیل، ای (۱۳۸۱)، فلسفه اخلاق، در راسخ، حق و مصلحت، مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، تهران: طرح نو.
- سونسو، (۱۳۷۶)، فرهنگ و توسعه، ترجمه نعمت الله فاضلی، تهران: طبع و نشر.
- صالحی امیری، سیدرضا، عظیمی دولت آبادی، امیر (۱۳۸۷). مبانی سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی، چاپ اول، تهران: نشر پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- عبدی، عباس (۱۳۸۸)، "فقدان حاکمیت قانون" نامه انجمن جامعه شناسی، صص ۱۵۹-۱۵۱.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۹)، "هنر، سیاست و انقلاب اطلاعاتی، ماهنامه سوره، شماره ۴۹-۴۸، صص ۱۹۳-۱۹۱.
- فراهانی، فاطمه (۱۳۸۵)، "سیاستگذاری فرهنگی و توسعه"، نشریه فرهنگ اندیشه، شماره ۱۸، صص ۱۲-۲۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). فلسفه حقوق، جلد دوم، منابع حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کلی، جان (۱۳۸۲)، تاریخ مختصر نظریه حقوقی در غرب، ترجمه: محمد راسخ، تهران: طرح نو.
- گودرزی، غلامرضا، شیخزاده، محمد (۱۳۸۸) "تحلیل وضعیت موجود ساماندهی نهادهای فرهنگی کشور با نگاهی به مفهوم و مبانی مهندسی فرهنگی"، نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، شماره پنجم، ۱۳۸۸، ۱۳۹-۱۱۹.
- عموزاده لیچانی، افشین (۱۳۸۸)، "زیرساختهای توسعه هنری"، آینه خیال، شماره ۱۲، صص ۱۱۲-۱۱۳.
- محمدنژاد عالی زمینی، یوسف (۱۳۷۷)، "دانشگاه و توسعه فرهنگی"، دانشگاه اسلامی، شماره ۴، صص ۶۶-۷۱.

محمودی، علیرضا، رجبی، زهره، شفتی، سیروس (۱۳۹۹)، "سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در توسعه اقتصادص- هنری (مطالعه موردی شهر تبریز)، نشریه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۳۷: صص ۱۸-۱. مرکز مالگیری، احمد (۱۳۸۵)، حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشتها، با نظارت و مقدمه محمدحسین زارعی، چاپ اول، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها.

مسجدجامعی، احمد (۱۳۷۵)، "درباره توسعه فرهنگی"، نامه پژوهش، شماره ۱، صص ۱-۷. مشبکی، اصغر، خادمی، علی‌اکبر، "بررسی آسیب‌شناسانه سیاست‌ها و سیاستگذاری‌های فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی"، نامه پژوهش فرهنگی، شماره چهارم، صص ۱۷۸-۱۳۳.

مهدی‌زاده، علیرضا (۱۳۸۸)، "تأملی پیرامون توسعه فرهنگی، توسعه هنری و جایگاه نهاد آموزش در آن"، مهندسی فرهنگی، شمار ۳۵ و ۳۶، صص ۲۹-۳۵.

نوایی، آ (۱۳۶۱)، دیالکتیک و هنر، چاپ اول، تهران: انتشارات میهن.

نیاکویی، سیدامیر (۱۳۸۷)، "توسعه جنوب در پرتو اقتصاد جهانی؛ کارآمدی دولت و جهانی عادلانه‌تر"، فصلنامه راهبرد توسعه، شماره ۱۶، صص ۱۴۱-۱۲۰.

وحید، مجید (۱۳۸۶)، "بحثی در سیاستگذاری فرهنگی، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳، صص ۳۰۶-۲۸۷.

Tourain, Alain, (2004). "The case for a Cultural Contract." In Jerome Bind. The Future of Values: 21 Century Talks. Paris: Unesco Publishing.

Kranser, S.D. (1999). Sovereignty: Organized Hypocrisy. Princeton University of New South Wales Faculty of Law Reseach Series.